

# طراح نوستالژی باز!

**گفت و گو با «علی میری» که نقاشی هایش از خاطرات کودکی حسابی مورد توجه شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته و حتی در ترکیه، تونس، مالزی و... هم طرفدار پیدا کرده است**

تصویر «بچه‌های بازیگوشی که لحاف و تشک‌های روی هم چیده شده را پایین ریخته‌اند»، «آفتابی که روی فرش افتاده است و بچه‌هایی که توی آشپزخانه از سبد آبکش برنج‌های باقی مانده را می‌خورند» یا «اجباری خوابیدن بچه‌ها در بعدازظهرهای تابستان، همه‌شان تصاویر ماندگاری هستند که در حافظه جمعی یکی دو نسل از ما باقی مانده‌اند. نسل دهه هفتادی‌ها خیلی کم اما دهه شصتی‌ها و پنجاهی‌ها هر کدام گوشه‌ذهن‌شان این خاطرات را حفظ کرده‌اند و گاهی با یادآوری‌شان حس خوبی به آن روزها پیدا می‌کنند. در پرونده امروز با «علی میری» تصویرگر و نقاش مشهدی گفت و گو کرده‌ایم که نقاشی‌های دیجیتالش از خاطرات خوب آن روزها حسابی مورد توجه کاربران فضای مجازی قرار گرفته است. «میری» هدفش را از کشیدن این نقاشی‌ها ایجاد حس خوب در جامعه اعلام می‌کند. او البته معتقد است نباید در گذشته گیر کرد بلکه با حس و حال خوبی که از یادآوری آن روزها پیدا می‌کنیم باید در جست‌وجوی راهی برای حل مسائل این روزهای مان باشیم. با ما و گفت و گوی خواندنی‌مان در پرونده امروز همراه باشید.



#### 👉زودتر از قاشق، قلم دست گرفته‌ام!

«علی میری» متولد ۵۵ در مشهد است. تحصیلاتش خیلی مرتبط با نقاشی نبوده و فقط دو ترم در دانشگاه، طراحی صنعتی خوانده و بعد در بسش را رها کرده است. او کارش این روزها به طور حرفه‌ای تصویرسازی و نقاشی است. خودش می‌گوید از سال ۷۵ نقاشی دیجیتال را شروع کرده است. از «میری» درباره علاقه‌اش به نقاشی در کودکی و دوران مدرسه می‌پرسیم که می‌گوید: «من از بچگی نقاشی می‌کشیدم و دوستش داشتم. حتی مادرم تعریف می‌کند وقتی یک تکه نان هم می‌خوردم آن را جوری گاز می‌زدم که نان شکل چیزی در بیاید. تقریباً هیچ لحظه‌ای از زندگی را یادم نمی‌آید که از دنیای نقاشی دور بوده باشم. این اصطلاح مادرم است که می‌گوید من پیش از قاشق دست گرفتن، قلم دست گرفتن را یاد گرفته‌ام. دوران تحصیل هم سر کلاس نقاشی می‌کشیدم و طبیعتاً تمرکز لازم برای فراگیری در سه‌ها را هم نداشتم. به همین دلیل توبیخ و به دفتر فرستاده شدن زیاد برایم پیش آمده است». او درباره ورودش به شغل حرفه‌ای نقاشی می‌گوید: «راستش پیش از آن که به خودم بیایم و بخوام شغلی برای خودم انتخاب کنم عملاً وارد بازار کار شده بودم. من وقتی دبیرستان بودم از کار نقاشی‌ام درآمد داشتم. به تدریج هر چه هم کار کردم بیشتر رشد داشتم و کارم را تقی پیدا کرد».



#### 👉نوستالژی بازی، حس خوبی به آدم‌ها می‌دهم

از «میری» درباره چگونگی ورودش به عرصه کشیدن طرح‌های نوستالژیک می‌پرسیم و او این گونه توضیح می‌دهد: «من به دلیل احساساتی‌بودنم بازورهای کودکی و خاطراتش انس خاصی دارم. همچنین پدر بزرگ و مادر بزرگم را در سال‌های اخیر همزمان از دست دادم و همین باعث شد دوران سختی را تحمل کنم. بنابراین گاهی نقاشی‌هایی می‌کشیدم که در آن‌ها، خاطرات گذشته‌ام به تصویر کشیده می‌شد. پس از انتشار چند نمونه از این کارها متوجه شدم که استقبال خوبی از آن‌ها می‌شود. البته در این سال‌ها کارهای تجاری و غیرتجاری زیادی داشته‌ام اما مشخصاً در صفحه هنری خودم کارهای تجاری را کمتر نشر داده‌ام. اتفاق خوبی که در صفحه اینستاگرام افتاد البته مستقل از نقدی که به بحث نوستالژی می‌توان وارد کرد، این بود که فضایی ایجاد شد انگار آدم‌هایی را لحظاتی حال خوب پیدا و این حال خوب را به دیگران هم منتقل می‌کردند. شما ببینید پای طرح‌ها چه نظرات مثبتی ابراز می‌شود و دور از آن فضای زشت فحاشی یا خشنی که در بخشی از فضای مجازی می‌بینیم، این جادار د اتفاق مثبتی رخ می‌دهد. بنابراین من دیدم حالا که می‌توانم چنین جامعه کوچکی را به وجود بیاورم و حال آدم‌ها را خوب کنم چرا این کار را نکنم؟ این شد که بقیه کارها را در صفحه خودم تعطیل کردم به‌طور مشخص روی این کار وقت و انرژی گذاشتم».

#### 👉فقط تجربیات خودم را می‌کشم

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین دلایل زیاد دیده شدن کارهای «میری» جمعی بودن خاطراتی است که او به تصویر می‌کشد. به همین دلیل این سوال پیش



می‌آید که ایده این نقاشی‌ها از خود اوست یا از دیگران هم کمک می‌گیرد؟ او در این باره می‌گوید: «ایده کارهایی که انجام می‌دهم از تجربیات شخصی خودم می‌آید. من خاطراتی از گذشته دارم که سال‌هاست با من هستند. برای اجرایی کردن هر کار شاید یکی دو هفته از نظر ذهنی خیلی رویش متمرکز باشم تا تصویر کامل شود اما اجرای آن از وقتی شروع به کشیدن می‌کنم، یک تا سه ساعت بیشتر وقت نمی‌برد. البته در این مدت با تماس‌ها و پیام‌های زیادی روبه‌رو بودم که دوست داشتند فضای ذهنی و تجربه‌های شخصی آن‌ها را پیدا کنم اما خودم علاقه‌ای به این کار ندارم. چون از خاطرات دیگران در ذهنم تصویر و حس روشنی ندارم». از او درباره طرح مورد علاقه خودش می‌پرسیم که پاسخ می‌دهد: «راستش همه طرح‌ها را دوست دارم و نمی‌توانم جدایشان کنم چون دلی هستند. البته از نظر تکنیکی قابل نقد هستند و حتی جزو کارهای نه چندان قوی من محسوب می‌شوند. از نظر حسی آن تصویری که یک روز بر فری را نشان می‌دهد و یک خواهر و برادر توی برف جلو می‌آیند و یک ژان هم پشت‌شان قرار دارد، به نظر خودم کار عمیقی است چون از یک تجربه حسی ماندگار می‌آید».

#### 👉از طرح‌هایم در مالزی، هندوستان، تونس و... هم استقبال شد

وقتی یک اثر هنری خلق می‌شود، مواجهه مخاطب با آن برای صاحب اثر بسیار مهم خواهد بود. باز خورده‌ای می‌توانند به صاحب اثر کمک کنند که در ادامه کار هنری‌اش نکاتی را اعمال کند یا قوت و انرژی بیشتری بگیرد. این هنرمند درباره بازخورد کارهایش می‌گوید: «بازتاب‌هایی که از مردم می‌گیرم برایم خیلی لذت‌بخش است. مثلاً شخصی به من پیام داد که با پدر و مادرش سال‌ها قطع ارتباط بوده است اما با دیدن این طرح‌ها تصمیم گرفته است دوباره در



کنار پدر و مادرش باشد. یا مادری به من پیام داده که با این طرح‌ها گریسته چون در تمام خاطر آتش مادرش حضور داشته است. اما حالا که خودش مادر شده به دلیل کارمند بودن خیلی ساعت‌ها از فرزندش دور است. بنابراین او تصمیم گرفته است بیشتر با فرزندش وقت بگذراند تا خاطرات مشترک بیشتری با او داشته باشد. می‌خواهم بگویم اثرگذاری زیادی دارد». این نقاش به بازخوردهای عجیب در خارج کشور هم اشاره می‌کند که خودش هم از قبل تصورش را نمی‌کرده است. او این‌طور تعریف می‌کند: «خیلی برای خودم هم عجیب و غیرقابل پیش‌بینی بود که بازتاب کارهایم را در بین مردم کشورهای دیگر دیدم. شما ببینید دیده شدن کارهایم بین مردم ترکیه و تاجیکستان باز تا حدی قابل درک است چون مرادات فرهنگی و ارتباطات قومی زیادی با آن‌ها داشته‌ایم اما این که می‌دیدم در مالزی، هندوستان، تونس، ترکیه، فلسطین و... از کارهایم استقبال می‌شود و از این که طرفدار پیدا کرده است، خیلی تعجب کردم. چون از نظر اقلیم، فرهنگ، پوشش و خیلی چیزهای دیگر با ما متفاوت هستند».

#### 👉در گذشته گیر نکرده‌ام!

وقتی طرح‌های نوستالژیک «علی میری» را می‌بینیم تصور می‌کنیم که او خودش باید خیلی آدم خاطره‌بازی باشد اما او به نکته مهمی اشاره می‌کند که با وجود حس خوب داشتن به گذشته، دوست ندارد در گذشته باقی بماند.



او درباره شرایط خودش در دهه ۶۰ و ۷۰ دوران کودکی می‌گوید: «آن موقع فضایی پر از اضطراب و پر فشاری حاکم بود. ما وسط روزهای شلوغ و حتی ناامنی بزرگ شدیم. به هر حال ما به عنوان کودک و نوجوان دنیای خودمان را داشتیم. البته رفتار پدر، مادرها و معلم‌ها با بچه‌ها با امروز متفاوت بود و حتی شاید الان قابل دفاع هم نباشند اما آدم‌ها، همدلی‌ها و صمیمیت‌های خاصی با هم داشتند. اما این نکته را حتماً دوست دارم بگویم که من خوشبختانه در گذشته گیر نکرده‌ام. من دوست ندارم به گذشته برگردم، ضمناً همه اتفاقاتش را هم تایید نمی‌کنم. فقط مثل یک مورخ آن روزها را روایت می‌کنم چون خاطرات من هستند و دوست‌شان دارم. امروز جامعه ما کمی بیمار است و خشونت، خستگی و ناامیدی در بین مردم زیاد است. راستش مردم وسایل زیادی برای سرگرم و شاد شدن ندارند. البته این را نمی‌خواهم به اتفاقات سیاسی ربط بدهم. به نظر من این بیشتر از فرهنگ غریزنی که حاکم بر خودمان است، می‌آید. من در این بین سعی می‌کنم به اندازه خودم به عنوان یک تصویرگر حس خوب بدهم تا بتوانند برای مسائل امروز‌شان با انرژی و فکر درست‌راه‌حال‌هایی پیدا کنند. چیزی که دوست دارم مردم بهش فکر کنند این است که از خودشان بیرسند چرا در گذشته حال‌شان خوب بود و امروز نه. از خودمان باید بیرسیم چه کارهایی باید انجام دهیم تا حال امروزمان بهتر شود. این بهترین کاری است که برای امروزمان می‌توانیم انجام دهیم تا این پرداخت به نوستالژی در حدیک سرگرمی باقی نماند. اگر مردم به این مسائل فکر کنند من مزد خود را گرفته‌ام و به هدفم رسیده‌ام».

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه • ۱۴ آبان ۱۳۹۸  
۷ ربیع الاول ۱۴۴۱ • ۵ نوامبر ۲۰۱۹  
شماره ۲۰۳۵

۱۴۵۶

### سفر شیرین در زمان

علی میری تنها کسی نیست که طرح‌های نوستالژیک‌اش با استقبال مواجه شده است؛ چند سال قبل سعید مرادی در صفحه «همشهری سلام» روزنامه خراسان برای ستون «خاطر‌بازی» که به قلم سید مصطفی صابری نوشته می‌شد، طرح‌های شیرین و خاطره‌انگیزی می‌کشید که برخی جزئیات رئال و جالب کارهای میری را نداشت اما شخصیت‌هایش با مزه بودند. پای طرح‌های شیرین مرادی توسط مخاطبان به فضای مجازی به خصوص شبکه اجتماعی فیس‌بوک و پیام‌رسان وایبر که آن‌روزها روی بورس بودند کشیده شد. تعدادی از طرح‌های برگزیده «مرادی» را در ادامه می‌بینید.

